



نتیجه ده سال مقاومت و پایداری بر اصول

مجاهدین خلق ایران
نیمه اول شماره ۷۲

نتیجه ده سال مقاومت و پایداری بر اصول

بقام خدا و بنام خلق قهرمان ایران
و بنام بنیانگذاران کبیر سازمان مجاهدین خلق ایران
محمد حنیف نژاد، سمیدمحسن واصفریدیع زاده گان

هموطنان عزیز،

مردم مبارزپرور ایران،

احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای ملی و مبارز،

معتقدین به اصول و ضوابط انقلابی سازمان مجاهدین خلق ایران،

۱۵ شهریور سی امین سالروز فرخنده بنیانگذاری سازمان مجاهدین خلق ایران را بر مردم قهرمان و مبارز

پرور ایران که بزرگترین حامی و پشتیبان مجاهدین خلق میباشند، تبریک میگویم.

در سالروز بنیانگذاری سازمان مجاهدین خلق ایران، بار دیگر با خدا و خلق قهرمانان پیمان میندیم تا با

تمام وجود در راه آرمانهای والای انسانی، اسلام راستین و برپائی جامعه بی طبقه توحیدی، عاری از هر نوع ظلم

و ستم، استثمار و اختناق و دیکتاتوری از هیچ کوششی فروگذار نمیکنیم.

با اینکه سازمان ما طی این مدت در دوره (۵۴-۶۴) بزرگترین لطامات و ضربات را از دوستان نیمه راه

و از درون سازمان متحمل شده است، ولی چه باک، درست است که در اثر این ضربات خواستند تا برانویمان در

آوردند، ولی با یاری خداوند متعال تسلیم نشدیم و همچنان پویای ایستاده ایم.

ولی امیدواریم با کمک و یاری خلقمان و با پشتکار و همت معتقدین به راه بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق

ایران، موفق به بازسازی و احیاء سازمان شویم.

مردم مجاهد پرور ایران.

در اواخر سال ۱۳۶۲ عده ای از مسئولین سازمان مجاهدین خلق ایران، که متأسفانه پستیهای حساس

سازمانی را نیز در اختیار داشتند، تلاش نمودند، بجای پاسخگویی به انتقادات، و تصحیح اشتباهات و انحرافات،

که توسط سطوح مختلف سازمانی بدانان میشد، تحت پوشش "تحول عمیق برونی و ارتقاء کیفی و تکاملی" ...

سازمان را به انحراف بکشانند. چرا؟

بخاطر عدم لیاقت و کاربدانی لازم و ممکن، سازمان مجاهدین را در سال ۱۳۶۰ بدون اطلاع تمام سطوح

مختلف سازمانی و کمترین آمادگی های لازم و داشتن يك استراتژی و برنامه مدون و مرحله بندی شده، به

درگیری و مبارزه مسلحانه با رژیم ارتجاعی خمینی بکشانند، که چیزی جز يك ماجراجویی نبود. در نتیجه

سازمان را با شکستها و بن بستهای مختلفی مواجه نمودند. اما مسئولین آنزمان سازمان، بجای توجه با انتقادات و

نظرات دیگر اعضاء و کادربهای سازمان، در رابطه با تصحیح اشتباهات و جلوگیری از تداوم انحرافات و شکستها

، بویژه بعد از برپائی کنگره ناتمام و تقصیر سازمان در شهریور سال ۱۳۶۲ و برملا شدن انحرافات و اشتباهات

مسئول اول سازمان ... وی و عده ای دیگر فرصت طلبانه تحت پوشش "جهش عظیم ایدئولوژیک" و "ارتقاء

کیفی عیدیتی تشکیلاتی" و "تحول عمیق برونی و ارتقاء کیفی، تکاملی" و "سوزاندن رسوبات جهل و جاهلی"

... دست به تجدید نظر در مبارزات ایدئولوژیکی و سنن و ضوابط انقلابی سازمان مجاهدین خلق زده . سازمان را به قهقرا و ارتجاع کشاندند .

سپس برای اینکه مانع اتفاقات و ایرادات اعضاء و کادرها و هواداران سازمان به مسئول اول سازمان شوند، که سبب اصلی شکستها و بن بستهای سازمانی بود ، اعلام نمودند "مسئول سازمان هیچ کس جز خدا حساب پس میدهد" رهبری جمعی را بحاکمیت یکنفر ، و افتاد و افتاد از خود را به افتاد یک طرفه ، از بالا به پایین ... سمت و سر دادند . و صریحا اعلام نمودند " ما اونی که بودیم نیستیم ، افتخار هم میکنیم ، نسبت باوهائیکه که این راه رو نرفتند سر هستیم " سپس پذیرش و یا رد موارد بالا را ملاکی برای ادامه عضویت اعضاء سازمان قرار دادند . علی القاعده بعد از اینکه عقاید خود را عوض کرده و خط مشی دیگری در رابطه با مسائل ایدئولوژی ، سیاسی ، استراتژیکی و تشکیلاتی اتخاذ نمودند ، یک جریان انشعابی محسوب شده ، میبایستی دست از نام و آرم و سابق و امکانات سازمان برداشته ، سازمان یا حزب یا گروه دیگری تشکیل میدادند . ولی متأسفانه با برخورد غیر اصولی و فرصت طلبانه ، که از ماهیستان ناشی میشد ، هم چنان با غضب نام ، آرم و امکانات سازمان مجاهدین به سوء استفاده از آنها پرداخته ، و با تهمت و افترا و فحاشی ... سعی در خاموش نمودن مجاهدین راستین ، که مدافع اصول و ضوابط و معیارهای اسلامی - انقلابی سازمان که توسط بنیانگذاران مدون شده بود ، نمودند ، و در این راه از هیچ پستی فروگذاری نکردند .

مجاهدین در بیانیه ۱۳۶۴.۱.۲۹ ، که با عنوان "تغییر مواضع ایدئولوژیکی ، تشکیلاتی ، سیاسی ، مسعود رجوی و عده ای دیگر ، و طرد آنان از سازمان مجاهدین خلق ایران" ، منتشر نمودند ، به طرد شدگان صریحا اعلام گردید که "رهبریت پراگماتیست - اپورتونیست راست سابق ... با اعلام مواضع جدید بهیچوجه حق استفاده از نام و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران را نداشته و ندارد ، نام و آرم سازمان متعلق به اعضاء و هوادارانی است که معتقد به ایدئولوژی توحیدی و ضوابط عام تشکیلاتی سازمان (که تدوین و جزواتش منسک است) و معتقد به مبارزه همه جانبه برعلیه رژیم ضد انقلابی خمینی حول محور مبارزه انقلابی مسلحانه ، که تا کنون مرحله کنونی است ، و معتقد به مبارزه با امپریالیزم (که در شرایط کنونی از کانال مبارزه با ارتجاع) میگردد ، میباشد .

بنابراین جریان جدید ، شرک آورد ضمن اینکه حق هیچگونه استفاده از نام و آرم سازمان را نداشته و ندارد ، نمیبایستی از امکانات سازمان مجاهدین خلق استفاده نماید ، و باید تمامی امکانات را بدون هیچ اما و اگر ، تحویل اعضاء و کادریهای سازمانی و یا هواداران و همته های مقاومت سازمان مجاهدین خلق ایران دهند . بعد از انتشار این اطلاعیه ، و با اینکه کرارا در مقاطع مختلف ، مجاهدین بدانان یاد آور شدند ، بر طبق آنچه که خود در پاسخگویی به منحرین از اصول سازمانی سال ۱۳۵۴ قبول داشتند و درستترس میباشد ، عمل کنید ، توجهی نکردند و هم چنان بکار نادرست و ضدانقلابی خود در رابطه با بکار بردن نام و آرم سازمان ادامه دادند .

در جزوه "آموزش و تشریح اطلاعیه تعیین مواضع سازمان ... " در رابطه با جریان منحر ۱۳۵۴ ، تحت عنوان "نام متعلق به کیست ؟ چنین نوشته شده ، " نام مظهر و سمبل تمامیت ایدئولوژیکی یک سازمان است ، نشانه ای که از آن جمع آرمانها ، ارزشها " ، " خط مشی ها و رویه های سیاسی آن تداعی میشود ، به عبارت دیگر ، نام دقیقا در رابطه با محتوای سازمان میباشد " .

" بنابراین اگر جریان و افراد خاصی پیدا شوند ، که با آن آرمانها و ایدئولوژی قطع رابطه کرده باشند ، نمیتواند خود را ادامه تاریخی جریان اصلی تلقی کنند . برخورد اصولی و انقلابی حکم میکند ، که از جریان اصلی انشعاب کرده و برای خود علائم و مشخصات تازه ای برگزینند . چون ارزشها و مسلمات یک جریان و سازمان ، مخصوصا وقتی بخلق معرفی شده باشد ویراساس یک ایدئولوژی اعلام شده ، با طبقات و اقشار مختلف اجتماعی ، در یک رابطه سیاسی - سازمانی وارد گردیده و از آنها جلب حمایت مادی و معنوی نموده باشد

، دیگر نه تنها به فرد یا افراد بخصوصی تعلق نداشته و ملك خصوصی آنها محسوب نمیشود ، بلکه دیگر این سازمان است که افراد را در تعلق و خدمت خود دارد ، بنابراین افراد ، میتوانند از جریان یا سازمان جدا شوند ، ولی نمیتوانند جریان یا سازمان را بر اساس تصمیم و رای فردی ، بدنبال خود و بهر جا بکشاند .

خلاصه کنیم : نام " مجاهد " خاص جریان و عناصری است که بهمان ارزشهای متعال توحیدی ، که از همان آغاز بنای سازمان بر آنها استوار شده ، و تحقیقات در جامعه بعنوان هدف دراز مدت برای سازمان مطرح بوده وفادار باشند . لذا هر نوع سوء استفاده از آن در حکم استمرار خیانت است نسبت به مجاهدین و در نتیجه تمام خلق اگر آنها معتقد به ... ارتقاء خوششان به کیفیت جدیدی هستند ، آن کیفیت جدید ، الزاما با نام و سمبل قبلی سازگار نبوده و لذا بایستی نام جدیدی برای خود انتخاب کنند ، مگر پیش تنگ و فرصت طلبانه ای که از پشت نیز به خلق خنجر میزند مانع آنها شود .

باز هم تکرار میکنیم : " نام مظهر تمامیت ایدئولوژیکی سازمان بوده ، و استفاده از آن ، منحصر به وفاداران و معتقدان به همان ارزشها و معیارهاست " .

متأسفانه با تمامی تلاشی که مجاهدین بعمل آوردند ، تا "ارتقاء کیفی ، تشکیلاتی" یافته کان ، دست از اسم سازمان مجاهدین و آرم آن برارند ، نند که نشد ، " کجا رود میخ آهنین بر سنگ " ، لذا "ارتقاء یافتگان" با تکیه به بدستاوردهای جدیدیکه بدان رسیده بودند ، چهار نعل تحت پوش "دیپلماسی انقلابی" "خط" جلب و جذب امپریالیستها بویژه امریکا و ارتجاع منطقه ... را در پیش گرفتند ، با وجود اتخاذ این سیاست ، "جلب و جذب" امپریالیستها ، نه تنها گشایشی در کارشان ایجاد نشد ، بلکه به یک آلت فشار در دست امپریالیستها برای گرفتن امتیاز از رژیم ارتجاعی ایران بدل شدند ، شکستها و بن بستهایشان ، که در نتیجه خطوط غلطشان بود ، روز بروز بیشتر میشد ، و در اثر تداوم شکستها و بن بستها ، استان بوسی امپریالیستها و آلت فعل شدن ارتجاع منطقه توسط مسئول شورا و پادوهایش بیشتر شده ، شکل آشکارتری بخود میگرفت .

انقلاب کردگان برای گول زدن دیگران استدلال میکردند بپیش گرفتن چنین سیاستی نمیتواند حمایت

و پشتیبانی امپریالیستها را که معطوف به رژیم ارتجاعی است ، بخود جلب کرده نتیجتا بحاکمیت برسند ، در ادامه استدلال خود میگفتند ، شکستها و بن بستهای قبلی ما در اثر عدم محاسبه این مسئله یعنی "جلب و جذب" امپریالیستها بوده و ما به این مسئله کم بها دانه بودیم ، و با اینکه میدانستند "آزادیهای انقلابی لازمه مبارزه ضد امپریالیستی است و بیبایستی در دافعه ارتجاع مرز خود را با کماتی که آزادی را میخواهند ولی مبارزه با امپریالیزم نمیکند ، فراموش کنند " ، ولی بخاطر تمویض عقایدشان ، و افراد از مردم غیور و مبارز ایران ، و خودداری از پذیرش اشتباهات و انحرافات ایدئولوژیکی ، سیاسی ، استراتژیکی و تشکیلاتی و تصحیح آنان ، هر روز به حمایتهای شاهی و کتبی نمایندگان کشورهای امپریالیستی و کمکهای مالی و تدارکاتی و تبلیغاتی ارتجاع منطقه ، دلخوش کرده خود و هوادارانیشان راسرگرم میکردند ، و با اینکه به کرات و صراحت انحرافات و اشتباهاتشان توسط دیگران بآنها گوشزد میشد ، متأسفانه خود خواهی ها و جاه طلبی ها ... هیچ جانی را برای بازگشت از انحرافات و اشتباهات بدانان نمیداد ، و بجای توجه و دقت به نصایح خیرخواهانه دیگران ، اعم از درون و برون تشکیلاتشان مبنی براینکه ، امپریالیستها و ارتجاع منطقه فقط بخاطر کسب خبر و داشتن یک برگ برنده در قبال ارتجاع حاکم ، از شما استفاده میکنند و حمایتهای شاهی بآنها ... فقط در جهت داشتن این برگ برنده در سر میز مذاکره با ارتجاع حاکم بر ایران است ، گوششان بدهکار نبود ، در عوض سیل تهمت ، افترا ، ناسزا و تهدید ... را بسمت آنان سرازیر میکردند ، و در جهت نزدیکی به امپریالیستها و ارتجاع منطقه ، هر روز از حمایت نمایندگان امپریالیستها غرور بیشتری احساس کرده ، برای خود پیروزی بحساب میآوردند .

از طرف دیگر ، امپریالیستها و ارتجاع منطقه ، بعد از عقب نشاندن ارتجاع حاکم بر ایران و استفاده از آنان و دیگر مخالفین رژیم متقابل به غرب ، بعنوان عامل فشار در گرفتن هرچه بیشتر امتیاز از ارتجاع حاکم ، لکدی به "شورای ملی مقاومت" و مسئول آن ، و دیگر مخالفین رژیم متقابل به غرب زده ، آنان را مجاهد ،

تورریست و ترور کننده مستشاران امریکائی و یکی از گروههایی که در سقوط شاه خائن وابسته به امپریالیسم سهم برده محسوب داشته و مشوق گروگان گیران امریکائی ها دانسته . به افشاء کمکهای مالی و تدارکاتی توسط " سیا " به مخالفین رژیم ارتجاعی حاکم . مبادرت میکردند .

وقتی غاصبان نام . آرم و تدارکات سازمان مجاهدین که در اس آنها مسئول شورا قرار داشت . میدید با تمام خوش خدمتیها . هم چنان مورد بی مهری امپریالیستها قرار دارد . برای اینکه به آنها . صداقت خود را به اثبات برساند . در مصاحبه با روزنامه ها و رادیوها تمام تلاش صرف این میشد تا ثابت نماید . که وی و هم هکراتش در ترور ۶ امریکائی در ایران دخالتی نداشته و ترور آنها توسط سازمان " پیکار " صورت گرفته و در آنسوق (دهه ۱۹۷۰) وی (مسئول شورا) در زندان بوده است .

(میتوانید در این رابطه به مصاحبه مسئول شورا که توسط آسوشیند پرس در ۸ اوت ۱۹۸۵ .

۱۷ مرداد ماه که در روزنامه ایران تایمز چاپ امریکا مورخ ۲۵ مرداد ۶۴ برابر با ۱۶ اوت ۱۹۸۵

صفحه ۱۴ منعکس است رجوع نمائید . یا به جزوه " برخی از مواضع سازمان مجاهدین و مواضع پراگماتیست اپورتونیست راست خائن ... به نقل از اسناد که در بهمن ماه ۱۳۶۴ منتشر شده رجوع نمائید) .

از جانب دیگر . ارتجاع منطقه بویژه دولت عراق بعد از استقامتهای اطلاعاتی و شناسائی مناطق مختلف ایران توسط عوامل " شوروی ملی مقاومت " و زدن ضربه به مردم ایران در جنگ و حمایت نظامی . مالی و تبلیغاتی از آنان پس از اینکه در سال ۱۳۶۷ خمینی جنایتکار مدموم جام زهر را سر کشید و آتش بس را پذیرفت . دیگر به " شوروی ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی " اجازه حمله و هجوم بایران از خاک خود را نداد و با اینکه بیش از ۶ سال است که از آتش بس میگذرد . هم چنان در خاک عراق زمین گیر میباشد . و با اینکه مسئول " شورا ... " به کرات گفته و میگوید ... که " ارتش آزادیبخش ... " از توان نظامی . تدارکاتی . و آمادگی های لازم و حمایتهای بین المللی و مردمی چه در ایران و چه در خارج کشور . برخوردارند . ولی همانطور که ملاحظه میکنید . بخاطر عدم دستور حمله از طرف حکومت عراق . قادر به هیچ حرکتی نیستند .

چرا؟

همانطور که روزنامه لیبراسیون ۲۲ ژوئیه ۹۴ بعد از دیدن مانور ارتش آزادیبخش . در گزاررش به نقل از یک دیپلمات در بغداد مینویسد : " در واقع ارتش آزادیبخش ملی ایران . بزرگی است در دست عراق در بازی میامیش "

لذا ملاحظه میکنید عوامل " شورا و ارتش آزادیبخش ... " آنها با اجازه حکومت عراق . که گاه برای تحت فشار قراردادن رژیم جنایتکار ایران . تعدادی اندک از افراد خود را بایران گسیل میدارد . تا با همب گذاری و ترور و " چسب دو قلو " برای ولی نعمت خود امتیازی در سر میز مذاکره . دست و پا کند . هم چنانکه . ارتجاع جنایتکار حاکم بر ایران نیز با حمایت از شیعیان عراقی به سرکردگی حکیم . دست بمقابله زده . و با گسیل تروریستهای خود . تنی چند از عوامل " شورا ... " و ارتش آزادیبخش ملی " در عراق را ترور کرده . خواب راحت مسئول شورا را آشته میکند . لذا وی به فریاد و فغان پرداخته . به مجامع بین المللی و حقوق بشر . متوسل شده تا مانع از حمله و هجوم و ترور عواملش توسط ارتجاع غالب و تروریست شوند .

رقابت طیف مخالفین رژیم متمایل به غرب

باید متذکر شویم که امپریالیستها بیک یا در گروه از مخالفین رژیم اکتفا نکرده . همه مخالفین رژیم متمایل به خود را که دارای پایگاهی هرچند کم باشند . برای روز مبادا نگهداشته و حفظ مینمایند . لذا طیف مخالفین رژیم متمایل به غرب . سعی مینمایند تا با نشان دادن هر چه بیشتر عناصر هوادار و سازمادهمی و قدرت و انسجام سازمانی خود . تمایل امپریالیستها را بخود منحصر کرده . تنها از آنها برای جانشینی حمایت نمایند .

بدین خاطر طیف مخالفین رژیم که آبشخورشان امپریالیستها و حمایتهای مختلف آنان میباشد . نظیر رضا پهلوی و اعوان و انصارش که در گروهی تحت نام " سازمان مشروطه خواهان ایران " و " سازمان میهن پرستان سلطنت طلب " و ... فعالیت میکنند و " شوروی ملی مقاومت و بازوی نظامی اش . ارتش آزادیبخش ملی " . نهضت مقاومت ملی " وابسته به شاهپور بختیار که توسط ایادی رژیم بقتل رسید . " سازمان حقوق بشر و آزادیهای انسانی برای ایران " بدبیر کلی منوچهر گنجی و بعضی از عناصر جبهه ملی سابق نظیر مدنی ... هر یک برای " جلب و جذب " قلوب امپریالیستها . غیر از اینکه از هیچ اتهامی به جناحهای رقیب . خود داری نمی نمایند . هر یک بر علیه دیگری به اسناد و مدارک افشاء گرانه دست زده . تارقیب را نزد امپریالیستها از سکه بیاندازد . لذا برای نشان دادن قدرت و بسیج نیرو و حمایت مردمی . خود را مدافع مکرسانی و رقیبا را دیکتاتور . توتالیتر و ضد مکرسانی معرفی می نمایند . و در این رابطه با استناد به اسناد و مدارک . به عملکرد و موضعگیریهای گذشته و حال رقیب . به افشای یکدیگر پرداخته آبروی طرف مقابل را چنانچه باقی مانده باشد میروند . در اینجا شعر شاعره معروف پروین اعتصامی بازگو کننده وضع این طیف از مخالفین رژیم متمایل به غرب میباشد که میگوید

" یک روز سیر طمنه زد به پیاز . که تو مسکین چقدر بد بونی .

گفت از عیب خویش بیخبری . زان ره از خلق عیب می جویی "

تلاش امپریالیستها برای ایجاد همکاری در طیف مخالفین رژیم متمایل به غرب

" امپریالیستها چون به ضعف کلی مخالفین رژیم متمایل بخود در ساقط کردن رژیم واقف میباشند . و با

اینکه هر چه کوشیده اند توانسته اند یک وحدت و همبستگی حتی صوری بین این طیف از مخالفین رژیم بوجود

آورند . بعد از شکست کوفتائی " جبهه ارتجاع مغلوب بر علیه ارتجاع غالب " در مهز ماه سال ۱۳۷۲ . طبق شایعات

و شنیده ها . امپریالیستها به طیف مخالفین متمایل بخود فهمانده اند . هر گروهی که بخواهد از طریق کودتا یا

حرکت نظامی . ارتجاع غالب را ساقط نماید . حمایت نخواهند کرد . چون امپریالیسم به این نتیجه رسیده که

چنین حاکمیتی . در روند خود به دیکتاتوری میانجامد . و این نوع حکومتها بضرر منافع دراز مدت آنها میباشد .

لذا آنها از گروهی یا سازمانی . حمایت خواهند کرد که بتواند طیفی از مخالفین مختلف المعنیه رژیم را حول محور

واحدی گرد آورد . و در این رابطه از بدل و بخشش و کمکهای مالی بسیار آنها از کیسه عربستان (که بقول دیپلمات

پناهنده شده این کشور محمد الخولوی که بتازگی بر علیه سیستم قبیلگی عربستان موضع مخالف گرفته و به افشاء

حاکمان عربستان پرداخته . در یک مصاحبه مطبوعاتی گفته است : حکام عربستان تا کنون در چهارده هزار

توطئه و ترور و تخریب ... در سراسر جهان دست داشته اند) هیچ دریغ نکرده و اظهار داشته که از هیچ حمایت

و کمکی اعم از مالی و تدارکاتی و تبلیغاتی ... کوتاهی نخواهند کرد . در یک کلام ساقط کردن رژیم . با الکوئی

از انقلاب ایران در بهمن ماه ۵۷ . مورد نظرشان میباشد . یعنی قیام های مردمی در شهرهای مختلف . پیوستن

نیروهای نظامی به مردم و سپس ساقط کردن ارتجاع حاکم . بدین ترتیب اگر با دقت بوضع مخالفین رژیم متمایل

بغرب توجه شود . بخواهی ملاحظه میشود که بعد از روی کار آمدن دیکتاتورها در امریکا . بویژه از عید ۷۳ جنب

و جوش زیادی در بین این طیف بوجود آمده و در جهت جمع کردن عده ای بدور خود میباشند . حال اگر بصورت

جبهه امکان ندارد بصورت همکاری نیز . از نظر امپریالیستها مسئله ای نیست ... و شاهدیم بمناصبتهای مختلف .

اعم از فوت شخصیتی . یادبودی . سالگردی . کنسرتی . رخ داد حادثه ای در ایران (چون نستگبری سیدی

سیرجانی) . قیام مردم قزین . تبریز . قائم شهر ... اطلاعیه هایی با امضاء های بسیار صادر شده اظهار نظر

مینمایند و هر گروه سعی مینماید امضاء های بیشتری در زیر اطلاعیه خود جمع کرده . بگذارد . تا در مسابقه ای

که بین طیف مخالف رژیم متمایل بغرب در " جلب و جذب " امپریالیستها جریان دارد . از دیگر رقیبا پیشی گرفته .

حمایت آنها را بخود اختصاص نهد .

"خواست امپریالیستها از شورای ملی مقاومت"

ابریشمچی ، نماینده "شورای ملی مقاومت" در نشستهای مختلف میگوید "که عملیات نظامی راه حل مشکل ایران نیست و جواب ندارد ، بلکه باید با مہبستگی و کار سیاسی رژیم را ساقط نمود . " یا اینکه : "خط ما سد کردن راه بنیاد گرایی در خارج است ."

لذا ملاحظه میشود که تاکتیک خود را عوض کرده ، و به اروپا و امریکا باز گرانده شده اند تا با کم رنگ کردن "ارتش آزادیبخش ملی" و رفتن پشت کار سیاسی و ایجاد انجمنهای رنگارنگ ، با اساسی گوناگون و بر پائی کنسرت‌های مختلف و ملی نمائی ، سعی میکنند خود را نمکرات و معتقد به نمکراسی نشان دهند . نمکراتهایی که "شورای ملی مقاومت" شان ، مسئولش ، نظیرخمینی معدوم ، ریاستش مانام العمری است . هم چنین نخست وزیرش ، و ریاست جمهورش نیز چیزی ، جز یک تکور و آلت دست نمیشاد چرا که ، وی هیچ وجه نه اختیاری دارد و نه مسئولیتی ، چون تمام اختیارات و کارها و مسئولیتهای مسئول شورا است ، که در ضمن پست نخست وزیری رانیز یکد میکشد . هم چنین در آینده شاهد خواهیم بود که از عملیات اعدام انقلابی مستشاران امریکائی ... بطور علنی و صریح اتقاد کرده ، لبه تیز حملات خود را فقط متوجه سازمان مجاهدین خلق ایران ، که هیچ ربطی باین گروه وابسته به امپریالیسم ، ندارد ، خواهند کرد .

البته باید بگوئیم ، ایراد اصلی امپریالیستها ، به مسئول شورا و دارومسته اش ، اینستکه ، در برون سیستمات نمکراسی وجود ندارد و بر خوردهایشان با دیگران نمکراتیک نیست ، "شما سگهایی هستید که قاتب آزادی را بچهره زده‌اید . مدیگی اینکه شما هنوز از اسم و آرم و سوابق ... سازمان مجاهدین استفاده مینمائید درست است که چه بطور مخفی و چه علنی چه کتبی و چه شفاهی اظهار میدارید که کارهای مجاهدین

در گذشته ، پروژه ترور ژنرال پرایس و سرهنگ هارکینز و عده ای دیگر از مستشاران امریکائی ، کار شما نبوده و در دمه ۱۹۷۰ هنگام ترور مستشاران امریکائی در زندان بوده اید ، و در این ۱۰ سال نیز سرسپهرگی خود را بها (امپریالیستها) به اثبات رسانده اید ، ولی "حمله به شهروندان امریکائی و ... شهروندان ایرانی و مقامات رسمی در دوره شاه ... انامه شرکت در سطحی نازل ، در تروریسم با حکومت رفسنجانی در ایران ... است که ، در نهن امریکائیان تداعی میشود ، لذا) ما نمایندگان مجلس منا باید اتان را بعنوان یک نیروی مخالف مشروع حکومت موجود ایران تلقی کنیم ، تا روزیکه بطور بنیادی ، رهبری خود و خاصه خویش را تغییر بدهد . اگر بناست از گروهی حمایت کنیم ، آن گروه باید براسنی جانیادر آزادی و حقوق بشر باشد ، ما باید طبیعت واقعی سگهایی را که قاتب آزادی به چهره زده بشناسیم . " (بعضی نقطه نظرات بخشی از مقامات امریکائی از گزارش مک کیف رئیس کمیسیون امنیت منا ، به سنای امریکا) ، بنابراین تا شما از اسم ، آرم ، و سوابق سازمان مجاهدین استفاده مینمائید ... "سپا" نمیتواند به طور کامل از شما حمایت نماید ، لذا مسئول شورا برای اینکه در رقابت با دیگر حریفان عقب نیافتد ، پروژه که قرار است ، در ماه اکتبر سال جاری دولت امریکا به مجلس و کنگره امریکا گزارشی از وضع "شورای ملی مقاومت" و "ارتش آزادیبخش ملی" بدهد . لذا مسئول شورا با تمام عقب نشینی های مختلف ، بار دیگر یک گام بلند برای جلب و رضایت امپریالیستها ... برداشته و "روغن ریخته را نذر امامزاده کرد" یعنی در ۴ شهریور ۷۳ برابر با ۲۶ اوت ۹۴ با صدور اطلاعیه ای تحت پوش "شورای رهبری ... " کلیه دفاتر و تشکیلات باصلاح "مجاهدین" را در خارج کشور منحل اعلام نمود ، به عبارت دیگر تا حدودی خواست امپریالیستها ، محقق شد . لذا طبق اطلاعیه صادره ، تمام افراد خارج کشور اعم از کسانی که در عراق یا دیگر کشورها جهان مستقرند در اختیار دفاتر ، رئیس جمهور کاندیدای "شورای ملی مقاومت" قرار گرفتند ، در حالیکه امپریالیستها از مسئول "شورا ... و ارتش آزادیبخش" خواسته اند ، تا "بطور بنیادی ، رهبری خود

خاصه خویش را تغییر بدهد ."

باید به مسئول "شورا ... و ارتش آزادیبخش ... بگوئیم ، شتر سواری دولا ، دولا نمیشود ، همانطور که تا کنون بارها نوشته ایم ، شما بعد از "انقلاب ایدئولوژیکی" در سال ۶۴ ، با ترمویض عقاید خود ، از سازمان مجاهدین خلق طرد و اخراج شده و انشعاب کرده اید ، بدین خاطر از جانب مردم منفرد و به ندرت آنان دچار شده اید ، ولی برای سوء استفاده فرصت طلبانه هم چنان به نام ، آرم و سوابق درخشان سازمان چنگ انداخته ، تا نظیر اپورتونیستهای سال ۵۴ از محبوبیت سازمان مجاهدین در بین مردم ، بهره مند شوید . و با اینکه بر طی این مدت بارها "اعضا و هواداران مجاهدین خلق ایران ، بشما سفارش کرده که دست از سوء استفاده از نام و آرم سازمان بردارید و نگذارید بخاطر یک انتصاب صوری به نام و آرم سازمان مجاهدین و گذشته پر افتخار آن ، که اصول و اهداف آنرا ، چه در عمل و چه در حرف زیر پا گذارده اید و بدانها پشت کرده اید و خلاف آنها عمل کرده و ضدیت نشان میدهید ، بیش از این از جانب امپریالیستها امریکائی ... مورد بی مهری قرار گیرید . شاید جاسوسی و آستان بوسی امپریالیستها و ارتجاع منطقه ، باعث تدارک "خیرات و مبرات" بیشتری برای مسئول "شورا ... ارتش آزادیبخش ملی" و دست اندرکاران آن گردد ... ، لذا بهتر است مسئول شورا ... و ارتش ... توجه بیشتری به توصیه مک کین رئیس کمیسیون امنیت سنای امریکا کرده و "بطور بنیادی ، رهبری خود و خاصه خویش را تغییر بدهد ."

باید اضافه کنیم ، مسئول "شورای ملی مقاومت" و تعدادی از اعضا سابق سازمان ، بعد از "انقلاب ایدئولوژیکی" ، هنگامیکه مجاهدین خلق باتکیه و اعتماد به دستاوردهای مدون و انقلابی سازمان به مقابله با آنان برخاستند و طی صدور بیانیه مورخ ۲۹-۱-۶۴ ، اعلام نمودند : تمام افراد و عناصریکه "جبهش عظیم ایدئولوژیکی" و "ارتقاء کیفی عقیدتی تشکیلاتی" و "تحول عمیق برونی" و "ارتقاء کیفی و تکاملی" ، یعنی مواضع جدید و اطلاعیه صادره را امضاء یا قبول کرده و به هر دلیلی و بهانه و توجیسی تأیید نمایند ، دیگر عضو یا هوادار سازمان مجاهدین خلق نبوده و نمیشاندند . طرد شدگان و انشعاب کنندگان به سرکردگی مسئول شورا - مجاهدین

خلق را به شدت مورد تهاجم همه جانبه قرار نمانند . لذا مبارزت به فحاشی ، تمهت ، افترا ... زمین نموندند . یعنی آنچه لایق خورشان بود به مجاهدین نسبت میدادند ، و با تمام قوا نظیر اپورتونیستهای سال ۵۴ کوشیدند تا مانع بازسازی و احیاء سازمان مجاهدین شوند و با انواع و اقسام اذیت هار آزارها و در تگتای مالی و امکاناتی قرار دادن آنها ، و شایعه پراکنی ها چه کتبی و چه شفاهی و ایجاد موانع مختلف ، خواستند تا صدای مجاهدین خلق ایران را خاموش نمایند ، تا بتوانند براحتی و بدون مخالفتی ، انحرافات خود را از اصول و ضوابط انقلابی سازمان مجاهدین خلق که بنیانگذاران کبیر آن محمد حنیف نژاد ، سعید محسن ، و اصغر بدیع زادگان ، پایه ریزی نموده و مکتوب نموده بودند توجیه و تئوریزه نمایند و آنرا یک تحول تکاملی و ارتقاء جدا کیفی و جبهش عظیم ایدئولوژیکی قلمداد نمایند ، در حالیکه حرکت منسحبین ، به قهقرا و ارتجاعی و بر ضد اصول و ضوابط انقلابی سازمان بود ، و بدین خاطر نیز از جانب مجاهدین طرد و از "سازمان مجاهدین خلق ایران" اخراج شدند . باید متذکر شویم ، سازمان مجاهدین خلق ایران ارثیه شخصی یا شرکت سهامی نیست ، که جریان یا افراد خاصی از اعضا و کادرهای آن ، وقتی عقایدشان را عوض نمودند ، بتوانند تصمیم به تغییر اصول و ضوابط و میارهای آن بگیرند و ایدئولوژی ، استراتژی و ضوابط تشکیلاتی آنرا تغییر دهند ، و سازمان را بر اساس تصمیم و رای فردی ، بدنبال خود بهر جا بکشاند . نظیر جریان منحرف سال ۱۳۵۴ ، که مجبور شدند ، بهای انحراف و در نتیجه افراد توده ای را ، با انحلال سازمانی خود ، یعنی سازمان "بینکار" پرداخت نمایند . در همین جا لازم است یادآور شویم ، یکی از مزیتهایی که سران جریان انحرافی سال ۱۳۵۴ بر سرمداران جریان انحرافی سال ۱۳۶۴ داشتند ، این بود که حاضر نشدند ، "بهر ترتیب" ، "بهر قیمت" و "بهر وسیله" ، با زیر پا گذاردن کامل اصولی که بدان اعتقاد داشتند ، بحیات خود ادامه داده ، به جنبش خلقمان بیش از آنچه لطمه وارد کرده بودند ، ضربه بزنند . باید متذکر شویم که اپورتونیستهای سال ۵۴ بعد از ۵ سال دست از اسم و آرم سازمان

مجاهدین خلق ایران برداشتن و پس از مدت کوتاهی، تصمیم به انحلال سازمان "بیکار" گرفتند و آنرا منحل نمودند.

باید با سراحت اعلام کنیم، ضربه ای که جریان منحرف سال ۱۳۵۴ با انحرافشان به جنبش خلقمان و به مجاهدین زدند، در مقابل خیانت و ضربه ای که عناصر فرصت طلب ارتجاعی با انحرافشان در سال ۱۳۶۴ به سازمان و اعتماد مردم وطنمان و جنبش خلقمان زدند، اصولاً قابل مقایسه نباشد.

منحرفین سال ۱۳۶۴ سازمان، بعد از اینکه صراحتاً اظهار داشتند "ما ازنی که بودیم نیستیم، افتخار هم میکنیم، نسبت باورناتیکه این راه رو رفتند سر هستیم" و بدست آوردهای جدیدی رسیده ایم، توسط مجاهدین از سازمان طرد و اخراج شدند. چون وقتی افرادی عقاید خود را عوض میکنند و مشی دیگری اختیار مینمایند، بطور طبیعی و خود بخودی از جویانی که قبلاً بدان وابسته بودند، خارج میشوند. بعبارت دیگر یعنی انشعاب کرده اند. بطور مثال وقتی یک نفر یهودی به دین مسیحیت میگردد، بطور خود بخودی و طبیعی دیگر ری وابسته به آیین جدید بوده و رسوم و شعائر دین جدید را باید انجام دهد و خواهد داد. ولی اگر فرد مذکور بعد از تغییر دینش بیاید ادعا کند که نه او هم چنان یهودیست و تنها برای آنکه نشان دهد هم چنان یهودیست بجای انجام رسوم و شعائر و دستورالعملهای دین یهود، فقط از شمعدان ۷ شاخه که علامت یهودیان میباشد استفاده نماید ولی رسوم و شعائر و اعمال مسیحیان را انجام دهد، حال، غیر از فرصت طلبی و حفظ منافع... آیا میتوان قضاوت دیگری در مورد فرد مورد نظر نمود؟

حکایت منحرفین سال ۱۳۶۴ سازمان نیز نظیر مثال بالاست، با اینکه عقایدشان و مشی مبارزاتی، تشکیلاتی خود را تغییر داده اند، ولی هم چنان به آرم و نام سازمان مجاهدین چسبیده و مدعی هستند که "مجاهد" بوده و سازمان مجاهدین خلق متعلق به آنان است. لذا قضایاتی که در مورد بالا بدان اشاره کردیم آیا در این مورد صادق نیست؟

لذا گسائیکه در سال ۱۳۶۴ از سازمان اخراج شده و با انشعاب کرده اند چه بخواهند چه نخواهند و بر طبق روال طبیعی، دیگر هیچگونه حقی در سازمان مجاهدین خلق ایران، ندارند، که بتوانند در رابطه با سرنوشت آن تصمیم گیری نمایند. چون همانطور که در جزوه "آموزش و تشریح اطلاعیه... منعکس است، وقتی سازمانی با طبقات و اقشار مختلف جامعه، در یک رابطه سیاسی - سازمانی قرار گرفت، و حمایت مادی و معنوی آنها را جلب نمود، دیگر این سازمان است که افراد را در تعلق و خدمت خود دارد، نه بالعکس. لذا افراد میتوانند بعد از تغییر عقایدشان، از سازمان جدا شوند، نه اینکه سازمان را بر اساس تصمیم و رای فردی بهر جا بکشاند، یا آنرا منحل اعلام نمایند.

چنانچه بتوان برای انشعاب کنندگان سال ۱۳۶۴، از سازمان حقی قائل شد، اینستکه، شجاعانه حاضر شوند تا در یک دادگاه سازمانی بجرم خیانت هائی که به اعتماد مردم، به جنبش خلقمان و سازمان مجاهدین مرتکب شده اند، و ضرباتی که در اثر این انحرافات و اشتباهات آگاهانه به خلق ایران، جنبش در حال رشد و سازمان مجاهدین وارد آورده اند، و بست به تنگین ترین اعمال زده اند، نظیر زندانی و شکنجه کردن مجاهدین و اعدام مخالفین بدون گروهی و... محاکمه سازمانی شده و مجازات شوند.

باید یاد آور شویم طی این ۱۰ سال اعضا و هواداران مجاهدین خلق، بخاطر دفاع سرسختانه از اصول، ضوابط و معیارها و دستورالعملهای انقلابی سازمان مجاهدین مورد انواع و اقسام اتهامات، افتراءات و اذیت و آزار، غاصبین آرم و نام و سوابق سازمان مجاهدین، قرار گرفتند، ولی بخاطر یک هدف انسانی و بر حق، همه آنها را بجان خریدند ولی در دفاع از خطوط ترسیم شده سازمان، یک گام به عقب برنداشتند، تا اینکه توانستند، روسیاه گردانند، آنراکه برشان غش بود.

چرا آرم و نام سازمان متعلق به مجاهدین است؟

بروند افراد و شخصیتها و گروههای دلمسوزی که، به اعضا و هواداران مجاهدین سفارش میکردند، چرا در رابطه با نام و آرم، اینقدر حساسیت نشان داده وقت و انرژی خرفتان را صرف این مسئله میکنید که نام آرم سازمان از شما است، نه از غاصبین منحرف انشعاب کننده... توصیه میکردند که شما با نام و آرم دیگری فعالیت کنید، و یا بسوزند و پیشوندی به نام سازمان اضافه کنید تا دیگران متوجه تفاوت شما با منحرف شدگان، شده، اعلامیه ها و نشریات شمارا بخرانند. حال پاسخی که به بعضی از آنان داده شده، در این جا برای اطلاع عموم تکرار میکنیم تا همه مطلع شوند.

اگر ما اعضا و هواداران مجاهدین خلق ایران، قبول میکردیم، که اسم و آرم را هم چنان اخراج شدگان منحرف غصب نمایند و در اختیار خود داشته باشند، آیا این بدان معنا نبود که آرمانها و ارزشها و اهداف والای انسانی و ایدئولوژیکی سازمان همین ها میباشد، که توسط منحرفین غاصب تغییر داده و میگردند و مرحله عمل درمی آورد؟

بعبارت دیگر چنانچه بنیانگذاران کبیر سازمان، که با تار خون خود، صحت و بر حق بودن اهداف سازمان را تأیید و مهر نمودند، اگر زنده مانده بودند، بهمین راهی نمیروند که منحرفین غاصب و مرتجع رفته و میروند؟ و اعمالی انجام نمیدادند که اینها انجام داده و میدهند؟ و اعضا و هواداران سازمان که رنج اسارت، شکنجه و آوارگی و تلاشی خانواده و اعدام... را بخاطر آزادی و رفع هر نوع ستم و استثمار و بر پائی جامعه بی طبقه توحیدی تحمل نموده به جان خریدند، اعمالی که منحرفین منسحب سال ۶۴ از سازمان به اجرا در آورند، انجام نمیدادند؟ و آنها را تأیید و حمایت نمیکردند؟ در حالیکه چنین نبود، اصول و ضوابط و معیارهای مدون انقلابی - اسلامی سازمان چنان روشن و صریحند که هیچ جای اما و اگر برای کسی باقی نمیگذارد. بنابراین چنانچه مجاهدین، اسم و آرم و سوابق برخورداران و افتخارآمیز سازمان را، بر چنگال عناصر فرصت طلب و

منحرف از اصول سازمان باقی میگذارند، آیا این قدر ناشناسی و غلبه ماسی به خوبیهای بیخبر ریخته شده و رنج و شکنجه هائی که بخاطر ارزشهای والای انسانی تحمل شده اعضا و هواداران سازمان نبود؟

چنانچه میگذاریم غاصبین منحرف، از آرم و نام مجاهدین استفاده کنند، آیا مبارزاتی که طی بیش از یک چهارم قرن، برای بر پائی یک جامعه عاری از ظلم و ستم و اختناق و استثمار ویر پائی یک جامعه بی طبقه توحیدی، که توسط مجاهدین انجام شده است، را به زیر سوال نمیرسیم؟

و چنانچه میگذاریم مسئول شورا و پادوهایش بعد از طرد و اخراج از سازمان هم چنان از نام مجاهدین استفاده کنند، آیا صعه گذارین بر قطعه نظراتیکه معتقد بوده و هستند که اسلام همین است که از جانب شیخ و شورا، اعمال میشود، چیز دیگری نیست؟

و تأیید این نظر نخواهد بود که اصولاً مذهب، هم چنین اسلام، تضاد آشتی ناپذیری با دموکراسی و آزادی دارد؟ و آیا جرم و جنایات خمینی معدوم و اعوان و انصارش و مسئول شورا با پادوهایش را کم نکرده و نادیده گرفته بودیم؟

(در اینجا لازم است به کسانی که دارای چنین تفکری میباشند، سفارش کنیم تا دوران حکومت حضرت علی "ع" را مطالعه کرده، بخورند، با مخالفین و محاربین دوران حکومتش را بررسی نمایند. آنوقت از آنها خواهیم پرسید، اصافاً! ادعان کنند، آیا مذهب اسلام با آزادی و دموکراسی تضاد آشتی ناپذیر دارد؟)

آیا عقب نشینی در برابر غاصبین منحرف، تأیید بدعت گذاری نبود؟ بویژه مسئولین شورا، تا براحتی دست به تقص و تعدی از حد و حدود خود زده، هر وقت تصمیم گرفتند به حق و حقوق دیگران تجاوز کرده، آنها را بپنج خود مصادره نمایند، و این مسئله یک برخورد سازشکارانه از جانب مجاهدین خلق بحساب نمی آمد؟

آیا تنها مسئول شورای ملی مقاومت، مسبب انحرافات است؟

مسئله دیگری که لازم است یادآور شویم، اینست که، بوده و هستند کسانی که انحرافات و اشتباهات آگاهانه ارتجاع مغلوب را انحصاراً به مسئول شورا مصادره کرده و تنها او را مسبب تمام این انحرافات میدانند و لبه تیز حمله شان را متوجه شخص وی کرده و میکنند. سئوالات بسیاری در اینجا به ذهن میرسد که چند تالی رامطرح میکنیم: آیا کسانی که میخوانند تمام انحرافات و تقصیرات را به عهده مسئول شورا... بگذارند. غیر مستقیم بخود توهمین نمیکند! غیر از اینست که نمی خواهند بخاطر عدم برخورد، بخود اتقاد کنند؟ یا توجه به دو مورد فوق، آیا نباید نتیجه گرفت که این نوع قضاوت مغرضانه است؟...

در حالیکه مجاهدین معتقدند، نباید مسئولیت اعضا و هواداران یک حزب یا سازمان را در انحراف مسئولین، از ضوابط و معیارهای مصوبه، و انحراف کشیده شدن سازمان و تشکیلات را نادیده گرفته و بحساب نیاورد، بلکه سهم مشخصی از انحراف را در حدیکه جلوگیری آن نبوده اند، دارا میباشد. چرا که تفاوت کیفی بین اعضا و هواداران که بطور آگاهانه، داوطلبانه و از روی اختیار با سازمان و حزبی انقلابی همکاری میکنند، با یک سرباز که بطور کورکورانه از مافوقش باید اطاعت نماید وجود دارد.

در یک حزب یا سازمان انقلابی، تک تک اعضا و هواداران، نه تنها نسبت به رده ای که دارند، مسئول میشوند بلکه مسئول تمام اعمال، گفتار و موضعگیریهای حزب و سازمان خود هستند و پاسخگو میشوند و نمیتوانند باین بهانه و عذر ناصحیح "المسور و معذور" متوسل شوند. چرا که همکاریشان، نه از روی اجبار و ناآگاهانه، بلکه از روی آگاهی، داوطلبانه و از روی اختیار بوده و میباشد.

باید تأکید نماییم، مبارزه بی امان مجاهدین خلق بر علیه جریان انحرافی سال ۶۴، تنها محدود به "سر نبوده" بلکه شامل کل جریان انحرافی- ارتجاعی- فئدراتی منقطع است که سرمداران این جریان نقش اصلی و سهم بیشتری در این انحراف و بازگشت به فئدرا را دارا میشوند، است. ضمناً باید اضافه کنیم، مجاهدین معتقدند نه تنها باید با خمینی بلکه مهمتر از آن غیر از خمینی، باید با خمینیسم که هر مرتجع را نیز در بر میگیرد، مبارزه کرد.

برخورد غیر ضال سازمانها و شخصیتهای مبارز و مترقی با انحراف سال ۱۳۶۴ سازمان

در اینجا لازم است تا اشاره نماییم، به گروهها و سازمانها و کسانی که در سال ۶۴ از انشعاب سازمان مجاهدین و انحراف براست عده بسیاری از اعضا و هواداران سازمان، ابراز خوشحالی میکردند، و یا بی تفاوت از کنار آن گذشته، هم چنین از اینکه مجدداً مسئول شورا با برداشتن یک گام دیگر به اعماق انحراف و وابستگی به امپریالیستها، صهیونیستها و ارتجاع منطقه کشانده شده اند، ابراز رضایت مینمایند و خوشحال از اینکه مجاهدین نیز تمام شدند، بکنیم.

ما (اعضا و هواداران مجاهدین) در بیانیه ۲۹-۱-۶۴ بعد از انحراف عده ای از اعضا سازمان و انشعابشان، ضمن هشدار به گروهها و سازمانها و شخصیتها به صراحت مطرح نمودیم "تداوم این جریان منحرف راست، میتواند پیروزی جنبش را بتأخیر و یا بانحراف بکشاند. میتواند موجب هرز رفتن نیروهای خلقی شده و باعث ضرباتی دیگر به جنبش شود و مورد سوء استفاده رژیم مرتجع ضد انقلابی حاکم، جهت توجیه اعمال روشهای ضد انسانی گذشته و حال و آینده اش قرار گیرد. لذا این جریان جدید و عوارض سوء ناشی از آن تنها مسئله یا مربوط به مجاهدین نبوده، بلکه در رابطه با کل جنبش، یعنی مرسمان و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی نیز میباشد. که از عوارض سوء آن هیچکس و هیچ نیروی اعم از انقلابی و مترقی... مصون و در امان نخواهد بود. بنابراین وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و مترقی است، تا هر چه سریعتر و قاطعتر بر علیه

این جریان اپورتونیستی موضع گرفته و در افشاء و مزوی ساختن آن اقدام نمایند.

مستافانه باید اذعان کنیم، که این هشدار صادقانه و آگاهانه ما بجد گرفته نشد، تا اینکه "بیه داورسته شورائین" به لباس تک تک گروهها و سازمانها و شخصیتهای ملی و مبارز، ماییده شد، و شاهد بودیم که لبه های "شورا" اعم از مسئول آن و پادوهایش، از هیچ تهمت و افترا، فحاشی، دروغ... بر حق آنها با فرهنگ لبی خود دریغ نکردند. با اینکه خود، جزو ایادی و جاسوسان و نوکران باجیره و موجب دولت فاشیست عراق، عربستان، صهیونیستها و امپریالیستها میشانند، و تا بن دندان بدانان وابسته اند، تا جریانی و یا فردی کوچکترین انتقادی به خیمه شب بازی مسئولین "شورا" و ارتش آزادیبخش...!! میکند سیل انواع و اقسام مارکها و اتهام وابستگی به رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران را بستمش سرازیر مینمایند. چون بنظر ایاتان، جاش و مزدور دولت فاشیست عراق بودن، گوش فرمان حکومت قبیله گی عربستان داشتن، برای سازمانهای امنیتی "میت ترکیه"، "مسواد و شین بت" اسرائیل، گزارش و اطلاعات جمع کردن، برای سازمانهای اطلاعاتی فرانسه، انگلیس، آلمان، سوئد... و "سیا" امریکا کار کردن و دستمزد گرفتن و حمایت آنان را جلب نمودن، نه تنها عیب نیست، بلکه حسن بوده و باعث افتخار میباشد، چون بخاطر نجات از شکستها و خروج از بن بستها، مسئول و دیگر سردمداران این جریان، معتقد شده اند

"در دل دوست بهر حیله رهی باید کرد - طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد."

لذا همانطور که اشاره شد، بخاطر عدم موضعگیری قاطع و صریح گروهها و سازمانها و شخصیتهای مبارز و مترقی بر علیه این جریان منحرف در بدو انحراف، شاهد بودیم که بعد از "انقلاب ایدئولوژیکی"!!، هیچ کس از مارکها و فرهنگ لومین وار آنها بی نصیب نماند. (برای اطلاع از همکاری اطلاعاتی مسئولین "شورا" با "سیا" مرکز جاسوسی امریکا... میتوانید به اعلامیه ای که در خرداد ۱۳۶۶ هواداران مجاهدین خلق، تحت عنوان "افشاء روابط پنهانی راستهای منحن و شورای ملی مقاومت با امپریالیستهای امریکائی" مراجعه کنید).

باید اضافه کنیم تلاشی مجدد سازمان مجاهدین در سال ۱۳۶۴ توسط منحرفین و رفتن به راست و فئدرا و

تلاش در جهت ملکوت کردن چهره انقلابی اسلام توسط راستهای منحن، نه تنها باعث خوشحالی بعضی از گروهها و عناصر شد، بلکه زمینه را فراهم نمود تا بعضی از گروهها و شخصیتها، "مجاهد ستیزی" پیشه نمایند. لذا بجای نقد و انتقاد، به موضعگیریهای غیر مسئولانه و عملکردهای ارتجاعی "شورائین"، سازمان مجاهدین و ایدئولوژی آن، یعنی اسلام راستین را مورد ستیز و تهاجم قرار دادند. در حالیکه اگر بخواهیم مسئله را منصفانه و بدور از منافع و مصالح گروهی و مسئولانه مورد بررسی قرار دهیم، باید بگوئیم که این مجاهدین بوده و هستند که ضمن بدوش کشیدن بار اصلی مبارزه بر علیه رژیم ارتجاعی و جنایتکار حاکم بر ایران، مورد ستیز قرار گرفته و سنگین ترین ضربات (رژیم ضد خلقی خمینی جای خود) از منحرفین سال ۱۳۶۴ به سرکردگی مسئول "شورا"، متحمل شده و میشوند. نباید فراموش نمود که راستهای منحن بسرکردگی مسئول "شورا" با سوجدوئی و سوء استفاده و دستمایه کردن، مبارزات، شهدا، رنج اسرا و آوارگان سازمان مجاهدین، بنفع مواضع و عملکرد ارتجاعی خود، مبادرت به پایمال کردن ارزشها و اعتباری که سازمان مجاهدین طی ۲۹ سال حیات پرافتخار خود، با مبارزه ای اصولی، انقلابی و پیگیر، بر علیه شاه معدوم، امپریالیسم، اپورتونیسم و ارتجاع غالب و مغلوب کسب کرده، نموده اند.

البته مقاومت و پایداری اعضا و هواداران مجاهدین خلق بر اصول و ضوابط و معیارهای انقلابی سازمان، و انامه مبارزه بر علیه ارتجاع غالب و مغلوب... از طرفی، آشکارتر شدن چهره واقعی و مواضع ضد دمکراسی و آزادی... مسئولین "شورای ملی مقاومت"، و برخوردی لومین وار و تهاجم و زدن مارکهای مختلف به مخالفین درون و بیرون گروهی و یاران سابق... و زندان و شکنجه کردن و حتی اعدام مخالفین درون گروهی و یا کسانی که دیگر حاضر نبودند، با آنها همکاری کرده در روابط و تشکیلاتشان بمانند، باعث شده که

صبرکنندگان است.

آری ۱۰ سال غاصبین جاه طلب ریاکار، تحت نام و آرم سازمان مجاهدین خلق ایران و پنهان شدن پشت شهادی پرافتخار مجاهدین خلق هر روز با زیر پا گذاردن یکی از اصول و ضوابط انقلابی سازمان، خنجری تا دسته، نه از پشت بلکه از روی در قلب شما فرو میکردند و هنوز هم به کارشان ادامه میدهند. و با لودگی و بسفره گرفتن شما، بتلاشتان برای حفظ دستاوردهای انقلابی بنیانگذاران کبیر سازمان پوز خند میزنند. ولی چه سودی عایدشان شده و میشود، درست است که ما بر زمین افتاده ولی زنده ماندیم.

انفراد آنها و نفرت و انزجار بحق خلقمان را نسبت به این مزدوران حکومت فاشیستی عراق و جاسوسان و گوش بفرمانان امپریالیستها را شامدیم. بخاطر انفراد توده ای و نداشتن جانی در بین مردم ایران، تمام خطوط استراتژیستان، متوجه جلب حمایت امپریالیستها، صهیونیستها و ارتجاع منطقه است، تحركات اخیر و پز دمکراتیک گرفتارشان، نمایشی است بخاطر رد تروریست بودنشان، توسط کنگره و سنای امریکاست که قرار است در ماه اکتبر سال جاری بدان رسیدگی کنند.

اعضاء و هواداران مجاهدین خلق، نباید به افشاءگریهایی که در رابطه با مسئولین و دست اندرکاران باصطلاح "شورای ملی مقاومت"!! و "ارتش آزادیبخش ملی"!!، کرده اند کم بهاء بدهند. شما با افشاءگریهای خود سهم مهمی در انفراد و وضع اسفبار و عبرت آموز کنونی این گروه ضد آزادی و دمکراسی مرتجع، داشته اید، در نتیجه، پایمردی و از خود گذشتگی و کار مداوم شما معتقدین به اصول و ضوابط انقلابی سازمان مجاهدین راستین خلق است که سرانجام سره از ناسره برای بسیاری از مردم روشن و مشخص گردیده است.

حال باید ضمن ادامه افشاءگری و مبارزه بر علیه ارتجاع غالب و مغلوب و عوامل رژیم گذشته و امپریالیستها، جهت بازسازی و احیاء سازمان مجاهدین، نیروی بیشتری گذاشته شود و در این راه از هیچ کوششی دریغ نوزیم.

شک و تردید را کنار گذاشته، در هر کجا که هستیم، چه در ایران و چه در خارج کشور، با حفظ و رعایت مسائل امنیتی بدور هم جمع شوید. و با تکیه به تجارب مدون تئوریک و عملی سازمان، مبتنی بر صلاحیتهای موجود و ممکن و بر اساس ابتکارات و خلاقیتهای خود و با استفاده از شیوه شور و مشورت "امرهم شورای بینهم" و "شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی اله" و بکارگیری اصول دمکراتیک انقلابی، کارها را در بین خود تقسیم نمایید. هر چند گاه نشستی گذارده، کارهای انجام شده را مورد بررسی قرار نده جمعبندی ننمایید. با انتقاد و اقتاد از خود ضعفها را بر طرف کرده، قاط قوت را تقویت نمایید. بمطالعه دستاوردهای تئوریک سازمان بصورت جمعی و فردی پرداخته، آنها را مورد بررسی و بحث دسته جمعی قرار دهید. با توجه به جو اختناق حاکم، باید تلاش در جهت ایجاد هسته های خوبکفا نمود. تا بتوان تمام مشکلات و مسائل خود را شخصاً حل و فصل نمایید.

باید با حفظ مسائل امنیتی، سعی نمود تا با دیگر هسته های مجاهد خلق ارتباط برقرار کرده، ضمن هماهنگی کارها به رفع نواقص و ضعفهای یکدیگر کمک نمایند. باید هوشیاری انقلابی خود را حفظ کرد، تغییرات و اتفاقاتی که در کشورمان ایران و سایر کشورهای جهان رخ میدهد، کاملاً زیر نظر داشت، باید چه فرداً و چه دسته جمعی، به تحلیل مسائل و بررسی رویدادها و حوادث پرداخت، سپس در یک بحث جمعی از کل نظرات جمعبندی نمود. خطوط را در آورده بر پایه آن برنامه ریزی نمود.

چنانچه در توانمان است، در چهارچوب ضوابط و معیارها و دستاوردهای سازمانی، اعم از ایدئولوژی

بعضی از گروهها و شخصیتهای مبارز و مترقی، تا حدودی جدائی بین "مجاهدین خلق ایران" و مسئولین "شورا" که از نام و آرم غصب شده سازمان مجاهدین استفاده میکنند قائل شده. در اعلامیه ها و نشریات ... خود از آنان به عنوان "فرقه رجوی"، "مجاهدین رجوی"، باند مافیائی رجوی" ... یاد کنند. لذا امیدواریم، گروهها و شخصیتهای مبارز و مترقی، هم چنان به اشتباه سهوی و یا احياناً عمدی خود ادامه ندهند.

همین جا خوبست یکبار دیگر تاکید شود، بنا بر اصول و ضوابط انقلابی - توحیدی سازمان مجاهدین خلق ایران، تا هنگامیکه عناصر و گروههای درون جبهه خلق، بر علیه دیکتاتوری، ارتجاع، امپریالیسم و استثمار و آزادی، در جهت خدمت بخلق گام بر میدارند و مرزهای خود را با ضد انقلاب غالب و مغلوب حفظ میکنند، نه تنها مورد ستیز مجاهدین نبوده و نخواهند بود، بلکه تا آنجا که در توان و مربوط به مجاهدین است، ضمن احترام به آنان و افکار و عقایدشان و هم چنین شیوه ای که در مبارزه پیش گرفته اند، با حفظ اصول خود، بر وحدت و همکاری هر چه بیشتر پای فشرده، تلاش مینمایند.

وظایف اعضاء و هواداران مجاهدین و حامیانشان

هموطنان مبارز و قهرمان،

معتقدین به اصول و ضوابط انقلابی سازمان مجاهدین خلق ایران،

آیا بازسازی و احیاء سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران، بعد از ضریبات مهلك و ناجوانمردانه

ایکة مسئولین "شورای ملی مقاومت"!!، بدان ترطی این ۱۰ سال وارد نموند، کاری مشکل و امکان ناپذیر است

! باید در يك كلام گفت: خیر، چرا!

با توجه به تاریخچه سازمان و با توجه به ایمان راسخ شما اعضاء و هواداران مجاهدین خلق، و با توجه بحماییت مردم قهرمان و مجاهد پرور ایران و یاری خداوند منان که حقی است بر او که مومنان را یاری نماید و کان حقا علینا نصرالمومنین" و بر ماست (خدا) حقی، که یاری کنیم مومنان را (سوره روم ۴۷). و با توجه به عدم دیر پائی ظلم و ستم و استثمار و خفقان، و آشکار شدن حقایق هر چند به باطل آنرا آغشته و یا پوشانده باشند، نه تنها ممکن، بلکه حتمی است. لذا با توجه به تحمل بردبارانه و مقاومت در برابر تمام مصائب و فشارها و سرکوب، جریان فرصت طلب ارتجاع مغلوب، هم چنان تقوای توحیدی انقلابی خود را حفظ کرده و با تمام تلاش، در حفظ و نشر آرمانها و تفکرات و دستاوردهای بنیانگذاران کبیر سازمان، یعنی اسلام راستین انقلابی، کوشیده و در مقابل دشمنان درونی و بیرونی، یعنی ارتجاع غالب و مغلوب ... با توجه به تمامی مشکلات و سختی راه هم چنان مردانه یبای خواسته و استقامت نمودید. و در مبارزه و افشاء ارتجاع غالب و مغلوب به موفقیتهایی دست یافته اید. باید گفت که تازه ابتدای راه برای باز سازی و احیاء سازمان متشکل، منسجم مجاهدین خلق و مبارزه برای دستیابی به جامعه بی طبقه توحیدی است، میباید. باید با قاطعیت بگوئیم، یا پیروز میشویم، یا حداقل، گندم نمایان جو فروش ریاکار را رسوا میکنیم، همانطور که تا کنون انجام داده ایم.

به مسیر طی شده نگاهمی عمیق بیاندازید. به کارهای انجام شده بر علیه ارتجاع غالب و مغلوب نگاه کنید. آیا موفقیتی هر چند کوچک و کم مشاهده میکنید؟ بله. موفقیتهای زیادی داشته ایم، درست است که بخاطر ضربه ناجوانمردانه منحرفین سازمان، در سال ۶۴ تعدادمان کم و پراکنده مان کرده بوند. ولی با توجه به این آیه قرآنی "کم من فته قبله غلبت فته کثیره بانن اله و اله مع الصابین" (سوره ۲ - ۲۴۹).

چه بسا، گروهی کم، پیروز شدند بر گروهی بسیار با انن و یاری خداوند، و خداست با

سیاسی، استراتژی و تشکیلاتی، مطالبی نوشته مقشر نمود.
باید اعضاء و هواداران مجاهدین خلق چه در ایران و یا سایر کشورهای جهان، سعی نمایند تا کاناال
های ارتباطی با یکدیگر برقرار کرده، به برنامه ریزی و هماهنگ نمودن کارهای مشترك اقدام نمایند.

- در تکثیر و پخش نشریات و جزوات قدیم و جدید سازمانی، در بین مردم و رساندن آنها به تمام
رادیوها و خبرنگاریها، احزاب، گروهها و شخصیتهای مبارز و مترقی اعم از ایرانی و خارجی بکوشیم.

- با توجه به توطئه ایکه امپریالیستها و عواملشان ... در رابطه با مردم ایران تدارک دیده اند، باید
هشیار بود، تا ضمن مبارزه بی امان با ارتجاع جنایتکار و فاسد حاکم بر ایران، در افشاء هر چه بیشتر طیف
ارتجاع مغلوب متمایل به غرب، با تمام تلاش بکوشیم، انتخاب بین بد، بدتر و بدترین ... نیست، باید با هر
چه "بد" است با تمام توان مبارزه کرد، با توجه به بحرانی که رژیم ارتجاعی حاکم با آن دست به گریبان است،
باید مراقب بود، در حرکات اعتراضی مردم فضالانه شرکت نمود (نظیر شورش نجف آباد، قزوین، تبریز، و
قائم شهر ...)، باید مبارزات خود جوش صفتی - اقتصادی را سمت و سوی سیاسی داد، ضمن مبارزه سخت با
ارتجاع حاکم تا سرنگونی، باید مراقب طیف ارتجاع مغلوب متمایل به غرب و توطئه آنها بود، و در رابطه با
آنها هوشیاری لازم بکار برد، عناصر نفوذی و علنی آنها را در هر جا که بودند از صفوف خود برانید و افشایشان
کنید.

اعضای هواداران می توانند متناسب با شرایط شمارها را تعیین نمایند - شمارها نباید زیاد از حرکت
مردمی و خواست آنها جلو تر باشد، چون بین مردم و آنها فاصله افتاده باعث انزواشان میگردند، در حالیکه
همیشه باید حداکثر یک گام از مردم جلو تر بود.

- سعی نمایند غیر از شرکت فعال در عمل، هم پای آن به بالا بردن اطلاعات و آگاهی های ایدئولوژیکی
سیاسی، استراتژیکی و تشکیلاتی خود بیافزاییم، باید تعاملی بین کار عملی و تئوریک بوجود آورد، نه عنصری
صرفاً تئوریک، نه فردی کاملاً عملی بود.

باید متوجه باشیم، مسائلی که میتواند تا حدودی در آینده مانع از انحرافات سازمان شود، عبارتند از:
رشد آگاهی های همه جانبه تئوریک سطح سازمان، اعتقاد و اعتماد از خود مستمر از بالاترین تا پایین ترین رده
های سازمانی و کنترل بی وقفه و حساسرسی منظم و دائم مسئولین در تمام سطوح در چارچوب ضوابط و
معیارهای تشکیلاتی ... میباشد.

- همکاری با سایر نیروهای مبارز و مترقی، به حفظ قطعه نظرات عقیدتی سیاسی سازمانی خود.

- ارسال گزارشات، اخبار، مقالات (ایدئولوژیکی، سیاسی، استراتژیکی، تشکیلاتی ...)، و نیز
اقتادات و پیشنهادات.

در خاتمه باید متذکر شد، مجاهدین خلق برای جبران اشتباهات و انحرافات و ضربه ایکه، جریان
انحرافی سال ۱۳۶۴، به اعتماد خلقان، که بالاترین و مهمترین سرمایه هر نیروی انقلابی است، وارد نموده اند
، با صداقت بر اعتدال و گمراهی تا آنرا جبران کنند، چون ضرورت بازسازی و احیاء سازمان و
گسترشش، وابستگی تام به اعتماد مجدد خلقان به سازمان مجاهدین دارد.

در اینجا لازم است تا به تمام خانواده های هوادار مجاهد خلق، که در این مدت صبورانه انواع و اقسام
آزار و انیت ها را متحمل شده ولی هرگز دست از یاری فرزندان " مجاهد " خود برنداشتند، درود بفرستیم و
مقاومت و پایداریشان را در برابر هر دو ارتجاع شیخ و شورا ستایش نماییم، و با آنان پیمان میبندیم، چه در
عرصه نبرد با دشمنان خلق، و چه در مبارزه با پیمان شکنان ریاکار جاه طلب، هرگز از مواضع یکتاپرستانه و
انقلابی یک " مجاهد " خلق عدول نکرده، با قسط با آنان رفتار نماییم، " پایمالا الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء
بالمفسد و لا یجر منکم شأن قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتعوی و انقوالله ان اله خبیر بما تعملون ...
ای کسانیکه ایمان آوردید باشید در راه خدا قیام کنندگان و گواهانی در اجرای قسط، شما را دشمنی
گروهی، بر آن ندارد که از عدالت بیرون روید، عدالت را رعایت کنید که به تقوی نزدیک تر است و بترسید از
خدا، که خدا بهره چه میکند آگاه است.

حال قسمتی از پیام مشترك بنیادگذاران کبیر، شهید محمد حنیف نژاد و سعید محسن در آستانه شهادت را
میآوریم که بنا به توصیه " سیا " مرکز جاسوسی امریکا، بدستور شاه خائن معدوم، در چهار خرداد سال ۱۳۵۱ به
جوخه اعدام سپرده شدند، روائشان شاد و راهشان پر رهرو باد.

برادران:

ما در شرایطی نست به تحریر این پیام میزینیم که دشمن خونخوار جمیع امکانات را از ما گرفته و تحت
شدیدترین و وحشیانه ترین شکنجه های غیرانسانی و قرون وسطائی، ما و رفقای مان را برای اعدام آماده میکند
، با اینهمه، ما هرگز از پیروزی راهمان و تحقق اهدافمان ناامید نشده و به آرمان ها و اراده خلق قهرمان ایران
اعتقاداً راسخ داریم ...

بگذار دشمن، ما را از هر کاری بازدارد و تحت هر فشاری قرار دهد - بگذار دشمنان از هر چه علیه
ما میتواند فرود گذار کنند - لیکن ما به راه خود که بدیهی است از جانب برادرانمان تا پیروزی کامل تعقیب میشود
، اعتقاد راسخ داریم و اینها نمیتواند در اراده رزمندگان مجاهدین خلق کوچکترین خللی وارد آورد.

لذا برادران، وحدت تشکیلاتی ما هر مانعی را از برابرمان برخواهد داشت، هرگز مایوس نشوید،
هرچه دارید در کفه جنگ توده ای مسلحانه گذاشته و تا امحاء کامل امپریالیسم و صهیونیسم و رژیم مطلقستی بجهنگید
، راه ما راه خدا و راه توده هاست ...

برادران!

روزگاری بود که گروه شما را که ما بنیاد گذاشتیم هیچ نداشت، فی الواقع هیچ، اما بتدریج بر امکانات
و قدرت ما افزوده شد ... پس بدانید که پیروزی از آن ماست - ان اله لا ینصر مابقم حتی ینصرو اما باقتهم " .
پس دل قوی دارید که باز هم خدا با ماست ... لیکن ادامه راه خدا هشیاری میخواید، صداقت و احساس
مسئولیت میخواید، پس بر شماست که از اشتباهات درس بگیرید، وحدت تشکیلاتی را همیشه حفظ کنید، از
دیگران عبرت بگیرید، نه اینکه در چاه ویل اشتباهات سرنگون گردید.

برادران،

مبادا تاریخ بقول حضرت علی از شما کسی بسازد که خود مایه عبرت سایرین شوید.

مرگ بر ارتجاع - مرگ بر امپریالیسم

با درود به تمامی شهدا ، اسرا ، آوارگان مقاوم و مبارزین و مجاهدین راه آزادی

با امید به رهایی خلق قهرمانان، از بند اسارت، و پیروزی بر امپریالیسم و استثمار و هر نوع ارتد

پیش بسوی جامعه بی طبقه توحیدی

مجاهدین خلق ایران - فرانسه .

نیمه شهریور ۷۳ - سالروز تاسیس سازمان مجاهدین

ایلیا ارنیورن، کاملاً بدوستی یادآوری کرده است که هدف، یک علامت راهنمایی وسط جاده نیست. چیزی است کاملاً واقعی، یک موضوع روز، نه تصویری از فردا بلکه اقدامات همین امروز. هدف، نه تنها استراتژی سیاسی بلکه اخلاق را هم از پیش معین میکند. نمی توان با تبدیل افراد به "بیچ و مهره" و تبدیل خود به خدای افسانه ای، برای برابری انسانها مبارزه کرد. وسیله همواره بر هدف اثر می گذارد، هدف را بالا میبرد یا مسخ میکند.

در تکثیر و توزیع این اطلاعیه در حد توان بکوشید.

میتوانید برای تماس.

نامه های خود را به آدرسهای زیر ارسال دارید.

B.P 13

95540 MERY S/OISE

FRANCE فرانسه

BOX 448

175 25 JARFALLA

سوئد SWEDEN

PMI

132-2255B QUEEN str, EAST

TORONTO, ONTARIO

کانادا M4E - 1G3 CANADA